



ورزش اردبیل

بلاگ ورزشی اردبیل

سال سوم شماره ۳۹

شبه ۳ بهمن ماه سال ۱۳۹۵

۱۳ ریح الابی ۱۳۲۸ - ۱۱ فوریه ۲۰۱۷

قیمت

NOL3-NO29-11Feb-2017



صور اسرافیل فوتبال اردبیل

مربی کیست؟

وارونه جلوه دادن حقایق
در کانال فوتبال اردبیل

فضول باشی ورزش اردبیل
و اختلافات فوتبالی استان

امان از دروغ



مردی بر آمریکا
مردی بر اسرائیل
۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۵

هیت تکواندو
استان اردبیل

حضور گسترده جامعه ورزشی استان
در راهپیمایی ۲۲ بهمن

توپ های ورزشی بتا

BETA SPORT BALLS

تولیدکننده بهترین توپ های
والیبال چرم با آخرین
استانداردهای روز دنیا

BETA[®]
BELIEVE POWER



BETA[®]
BELIEVE POWER



بزرگترین تولیدکننده انواع توپ های ورزشی
چرمی و لاستیکی استاندارد در ایران

www.betasport.ir



صور اسرافیل فوتبال اردبیل



عادل مسنن یکی از بزرگان دوست داشتنی و افتخار آفرین فوتبال استان است. او از سال ۵۴ درخشش در فوتبال را آغاز کرد. در ایامی که برای شهرستانی ها از سوی مرکز نشینان استانی و کشوری بهای کمتری داده می شد او در سایه برتری، قدرت، توانایی و تکنیکش، خود را به فوتبال آذربایجان تحمیل کرد و سال ها پیراهن تیم منتخب آذربایجان شرقی در سطوح جوانان و بزرگسالان را بر تن نمود.

عادل مسنن بازیکنی متواضع، پیشکسوتی گرانقدر و یاری فراموش نشدنی برای جامعه ورزش و فوتبال اردبیل می باشد. اگر با او ساعت ها در یک محفلی بنشینید و شناخت قبلی از او نداشته باشید نمی توان از حرف ها و سخنان وی برداشت کرد که او در دهه پنجاه و شصت یکی از ستاره های تابناک فوتبال شمال غرب کشور بوده است. او انسانی محترم است، مثل برخی ها نیست که با یک یا دو روز فوتبال بازی کردن خود را برتر از همه بدانند و هیچ کسی را صالح برای اظهار نظر و گفتن در مورد فوتبال ندانند.

عادل ها سرمایه بزرگی برای فوتبال و ورزش اردبیل هستند و حرف و سخن آنها در مورد فوتبال اردبیل و خدمتگزاران آن می تواند سندی محکم و قابل دفاع محسوب شود.

عادل مسنن سال ها از نزدیک با مرحوم هوشنگ چمن آرا آشنایی داشته و در تیم عقاب نیز مدت ها با آن مرحوم همبازی بوده است. اظهار نظر وی در مورد هوشنگ می تواند دلیل خوبی برای فهمیدن و درک کردن خدمات آن مرحوم به فوتبال اردبیل باشد.

در شناساندن چهره هایی چون چمن آراها به نسل جوان از سوی مسؤولین و دست اندرکاران امر و رسانه ها کوتاهی های زیادی رخ داده است. جوان های امروزی خیال می کنند که فوتبال در سال های گذشته همین بوده که امروز هست. فوتبالی سرشار از حاشیه، حاکمیت پول، کم شدن نقش اخلاق و در نهایت ایجاد محیطی غیر قابل اعتماد و بحث بر انگیز. اگر خدمات کسانی چون هوشنگ چمن آرا در معرض دید و مطالعه جوانان قرار بگیرد و آنها با دوران شکوفایی فوتبال و ایشار و گذشت در آن آشنا بشوند دیگر گول طبل های توخالی، مدعی و حاشیه ساز فوتبال را نخواهند خورد. اگر چنین باشد این آشنایی ها می توانند در رفتار و کردار آنها در

دنیای فوتبال نقش موثری داشته باشند. فوتبال ما از کسانی که برای رسیدن به اهداف شخصی چهره دفاع از فوتبال را به خود می گیرند، بزرگ ترین ضربات را متحمل شده است. آنها وقتی منافع خود را دست یافتنی ببینند، عاشق فوتبال اردبیل می شوند و تا احساس نکنند که خطری اهداف آنها را تهدید می کند به فوتبال اردبیل پشت کرده و فرار را بر قرار ترجیح می دهند.

بگذریم، در تماسی که با عادل مسنن در آستانه سالگرد درگذشت مرحوم چمن آرا گرفته شد، جمله ای بسیار زیبا و پر معنی در ارتباط با آن مرحوم بیان داشت که ذکر و پرداختن به آن نمی تواند خالی از لطف باشد.

وی گفت: خدا رحمتش بکند. او صور اسرافیل فوتبال اردبیل بود برای بیدار شدن بعد زمستان های سخت و سرد. امید که علاقه مندان به فوتبال فراموش نکنند تماشاگران پر شور و کثیر جام عقاب را.

فوتبال اردبیل در دهه ۵۰ و ۶۰ از رقابت های منظم و مطلوب باشگاهی بهره می برد. علی رغم کمبود امکانات و میادین روباز و سرپوشیده ورزشی در زمستان های سرد و پربرف نیز تمرینات تیم ها در اراضی پیله سحران پشت سر گذاشته می شد و برگزاری جام عقاب همزمان با آغاز سال جدید بهترین و بالاترین میدان برای محک خوردن تیم ها و هماهنگی یاران جدید جذب شده با مجموعه تیم محسوب می شد.

این ویژگی، جام عقاب را به معتبرترین جام اردبیل تبدیل کرده بود. علاقه مندان به فوتبال برای رسیدن ایام برگزاری آن ثانیه شماری می کردند، حضور گسترده مردم و استقبال تیم ها از این جام، منظره خاصی در طول برگزاری به محوطه زمین عقاب و خیابان ها و مسیر های منتهی به آن می بخشید.

علت این که پیشکسوتی چون مسنن، مرحوم چمن آرا را با عنوان صور اسرافیل فوتبال اردبیل مورد خطاب قرار می دهد این است که جام عقاب که زحمات آن در مدت نزدیک به یک ماه برگزاری بر عهده آن مرد بزرگ بود، پیام آور تلاش برای کسب موفقیت و آماده شدن برای رقابت های فصل جدید بود.

مرحوم هوشنگ چمن آرا علاوه بر مدیریت و بنیانگذاری جام فراموش نشدنی عقاب، وظیفه

مربیگری و بازیکنی تیم عقاب را نیز بر عهده داشت. هوشنگ با آن که درآمد محدودی داشت و با عرق جبین برای چرخاندن چرخ زندگی، خود را به آب و آتش می زد ولی تامین هزینه های مربوط به تیم را برای خود به مانند تامین نان و مایحتاج زندگی خانواده واجب و ضروری تلقی می کرد.

عقاب یکی از تیم های مطرح اردبیل بود که در دوران حیات خود بازیکنان بزرگ و نامی چون عادل مسنن، رحمان مختاری، بهنام دولت، حسن علیزاده و ... را تحویل فوتبال منطقه داده بود. در رقابت های باشگاهی و به هنگام ورود تیم عقاب به میدان مسابقه حرکت مقتدرانه و با صلابت هوشنگ در پیشانی تیم، ابهت خاصی به تیم عقاب می بخشید.

فوتبال اردبیل نباید چهره های خدمتگزاری چون هوشنگ چمن آرا را فراموش نماید و این در وهله نخست وظیفه کسانی است که سکان هدایت فوتبال استان را بر عهده دارند و در حرف همواره ادعای حفظ حرمت پیشکسوتان را می کنند. آنها اگر بر گفته های خود اعتقاد دارند باید بر وظیفه خطیرشان مبنی بر توجه به پیشکسوتان و معرفی آنها به نسل جوان اقدام نمایند.

یاد و خاطره انسانی بزرگوار، خدمتگزاری لایق، خادم فوتبال و عاشق خدمت بی منت را گرامی می داریم و از درگاه احدیت علو درجات و شادی روح آن مرحوم را مسئلت می نماییم.

امان از دروغ

یکی از مهم ترین آفاتی که در سال های اخیر ورزش ما را دچار آسیب کرده و در نهایت بی اعتمادی ورزشکاران و علاقه مندان را به دنبال داشته است دروغ گوئی و عده های بی پایه و بی اساس دادن است.

یکی از اساسی ترین وظایف افراد در هر پست و موقعیت و مقامی که بوده باشند بحث جلب اعتماد مردم و جامعه و بالا بردن ضریب امیدواری در بین آنهاست. دروغ گوئی و وعده های آنچنانی دادن بدون فکر کردن به فردا و عکس العمل های مردم و افکار عمومی و ایجاد یاس و ناامیدی در بین آنها، بزرگ ترین خیانتی است که این قبیل مسؤولان می توانند در قبال ورزش و برخی از رشته های پرطرفدار از جمله فوتبال داشته باشند. هر آن کس که او پیشه گیرد دروغ

ستمکاره ای خوانمش بی فروغ به گرد دروغ، ایچ گونه مگرد

چو گردی بود بخت را روی زرد

دروغ گوئی از بزرگ ترین گناهان، ناستوده ترین رذایل اخلاقی، بدترین آفات زبان، زیان بارترین معصیت ها و خط فاصل ما بین حق و باطل است که اعتماد و اطمینان را از جامعه سلب

کرده ، انسان را از گام نهادن در مسیر پاک سازی نفس ، تهذیب اخلاق و سیر و سلوک به طور جدی محروم می سازد.

خداوند متعال در سوره زمر آیه ۳ می فرماید: "به راستی خدا کسی را که دروغ پرداز و بسیار ناسپاس است ، هدایت نمی کند".

وظیفه همه افراد جامعه است که تا دروغ یک کسی برایش به اثبات برسد از رفاقت، هم نشینی و مساعدت با وی خودداری نماید.

به گرد دروغ آنکه گردد بسی

از او راست باور ندارد کسی پیشوای صدیقان، سالار راست گویان و امیر مومنان می فرمایند: "سزاوار است که شخص مسلمان از رفاقت با دروغ گو بپرهیزد، زیرا آنقدر دروغ می گوید که (اطمینان از او سلب می شود و) اگر راست هم بگوید کسی باور نمی کند".

و آمده است که مولا علی (ع) به فرزند بزرگوار خود امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: "از دوستی با کسی که مدام دروغ بگوید بپرهیز! زیرا همانند سرابی است که دور را نزدیک و نزدیک را دور می نماید".

دروغ گوئی روی انسان را سپاه، بذر دشمنی و کینه را در دل بارور و در نهایت آدمی را رسوا می سازد. ورزش دنیای مردانگی ، جوانمردی و راست گوئی

است. برای این که کسی بتواند در خدمت به جامعه ورزش موفق باشد، لازم است که از صفت ناپسند و مذموم دروغ گوئی به دور باشد.

در بررسی صلاحیت افرادی که برای خدمت در هیات های ورزشی نامزد می شوند بحث راست گوئی و عمل به وعده های داده شده باید مورد توجه و مورد نظر قرار بگیرد.

فرد دروغ گو و آن کسی که برای جلب اعتماد مجمع و کسب آراء روی به وعده های دروغ می آورد و قادر به برآورده کردن آنها نمی

شود، دیگر نباید جایی در اداره امور آن رشته داشته باشد. اثبات صداقت هر فرد با نگاهی اجمالی به عملکرد و چگونگی رفتارش در گذشته کاملاً واضح و آشکار می شود. آنهایی که در

مجامع انتخاباتی هیات های ورزشی برای رای دادن و تعیین تکلیف مسؤولیت یک هیات ورزشی، صاحب رای هستند باید بدانند که در مقابل هر رای خود مسؤولند و جوابگو و اگر دروغ گوئی فردی ثابت شده باشد و اگر بدانند و آگاه باشند که افراد از عمل به وعده هایشان عاجزند نباید دگر باره به سراغ چنین کسانی بروند و سرنوشت یک رشته ورزشی را به دست افرادی نالایق و ناکارآمد و دروغ گو بسپارند.

فضول باشی ورزش و اختلافات فوتبالی استان

فضول باشی در تماس تلفنی گفت: نمی خواستم برای این شماره نشریه با تو سخن بگویم. چرا که زیاد حرف زدن آدمی را سبک می کند. حرف آدم و راج نمی تواند تاثیر گذار باشد. اگر بتوانم خودم را کنترل بکنم تصمیم گرفته ام که در هر ماه دو بار با تو سخن بگویم . هر چه کمتر ، بهتر.

می دانی تو هم آدم جگر داری نیستی. هر آنچه را که می گویم نمی نویسی، آنهایی که کبریت بی خطر ممتاز هستند، سوا می کنی و نقل و قول می نمایی، نترس، می خواهند چه کارت بکنند، پست و مقام و میز و صندلی و منشی و راننده ات را می گیرند؟ یک خودکار و چند ورق کاغذ که این همه ترسیدن ندارد. گفتیم: مؤمن خدا ترس، به من یاد داده اند سری که درد نکند دستمال نبندم . تا موردی برایم روشن نشود به آن نمی پردازم. حال تو مختاری که هر طور دلت خواست فکر بکنی و حرف بگوئی. من سبک و روش خودم را دارم و آن را با هیچ چیز معامله نمی کنم. فضول باشی سری تکان داد و گفت: فعلاً با تو هم می سازیم تا چه پیش آید. راستی وضعیت تعیین تکلیف کاندیداهای هیات فوتبال استان به کجا انجامید؟ چرا این رشته زیبا در استان ما طلسم شده است؟ چرا نباید قضیه را برای همیشه حل بکنند تا اجازه ندهند عده ای بر اساس منافع و تفکر و سلیقه خود رفتار کنند. مسئله خیلی ساده است. کشمکش های موجود در بین پیشکسوتان ، دست اندرکاران، هواداران و علاقه مندان به فوتبال با هیات و اداره کل ورزش و جوانان به کنار، آیا حل کردن مشکل به وجود آمده بین اداره کل و هیات استان آن قدر سخت و پیچیده و لاینحل و طاقت فرساست که علی رغم گذشت بیش از سه سال نسبت به حل آن موفق نشده اند؟

حرف خود را با حرارت بیشتر و چهره ای برافروخته ادامه می دهد. در استانی که آقایان و حضرات مدعی راه اندازی مگا پروژه ها، رفع مشکل بیکاری، راه اندازی بندر خشک و تر و به سامان رساندن راه آهن و پتروشیمی و دهها و صدها طرح و پروژه هستند، آیا توانایی حل این مشکل را ندارند. در کشور ما که مرسوم است هر جا مشکلی و حادثه ای پیش می آید بلافاصله کمیته علت یاب تشکیل می شود. آیا شدنی نیست که مسؤولین استان احکامی به نام دوستان، اطرافیان و آشنایانشان صادر کرده و آنها را مامور مشخص کردن علت این اختلاف ها نمایند؟ و در نهایت این کمیته رای به مقصر بودن هر کدام از طرفین که داده باشد شبانه او را از کار برکنار بکنند و اگر به این نتیجه رسیدند که هر دو مدیر در وضعیت به وجود آمده به طور مساوی مقصرند در برکناری با قدرت هر دو تردیدی به خود راه ندهند؟ فوتبال مسخره شده است. عده ای نمی خواهند کاخ حافظ را از دست بدهند و جمعی نیز دوست ندارند آنها کلید دار حافظ باشند، در این میان گناه و تقصیر فوتبال و جوانان و علاقه مندان چیست؟ آیا حتماً فوتبالی ها با سازی که آقایان می نوازند باید رقص بکنند و کسی به داد آنها نرسد و فریادشان را نشنود. مطمئن باشید که تاریخ مقصران این وضع و سردمداران تفرقه و نابودی فوتبال استان را نخواهند بخشید.

مربی کیست؟

مرحوم د- اسدالهی از کارشناسان و نویسندگان نامی کشور در نوشته های خود تحت عنوان آئین مربیگری که در سال ۷۳ در مجله کیهان ورزشی منتشر می شد در یکی از بخش ها بحثی تحت عنوان مربی کیست را مورد توجه قرار داده است.

آن مرحوم می نویسد: "مربی کیست که چیزی یاد گرفته و می خواهد به دیگران یاد دهد. بنای کار او عشق است نه درآمد مادی، ضمن این که کار او باید پاداشی داشته باشد تا فارغ البال به خدمت عاشقانه خود بپردازد."

مربی را چند نیرو برای انجام کار زیر فشار قرار می دهند که مهم ترین آنها را نیروی عشق، میل به میدانی بودن، میل به جاه طلب و وظیفه شناسی بیان می کند.

میل به میدانی بودن چه مفهومی دارد؟ اکثر ورزشکاران وقتی با توجه به شرایط سنی مجبور به ترک دوران قهرمانی شده و میدان را به جوان تر از خودشان واگذار می کنند اتفاق می افتد که از ته دل به این کار راضی نشده و همچنان برای حضور در میدان تمایل نشان داده و این انگیزه را در خود پیدا می کنند. علاقه به ماندن و فعالیت در میدان را نباید به هوس تعبیر کرد، بلکه این امر می تواند از روی علاقه باشد. برای برخی ها گوشه نشینی و فعال نبودن در حوزه هایی که تخصص داشته و سال ها در آن عرصه ها تلاش کرده اند برابر با مرگ است. ورزشکاری که پا به سن می گذارد و امکان فعالیت از وی به عنوان بازیکن سلب می شود برای جواب دادن به علاقه ذاتی اش راه مربیگری را در پیش گرفته و در سنگر جدیدی به خدمت مشغول می شود. ورزشکاری که عمری را سپری کرده و تجربه اندوخته است می خواهد داشته های خودش را به نسل جوان انتقال دهد و برآستی این کار نیاز به عرصه و فضایی دارد که امر مربیگری می تواند این فضا را برای او فراهم نماید.

وظیفه شناسی نیروی دیگری است که مربی را برای خدمت بهتر و بیشتر مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دهد. این نیرو، مربی را وادار می سازد که شب و روز خود را در راستای انجام وظیفه به کار گیرد و تا زمانی که احساس نکند به آنچه می خواسته دست

پیدا کرده است، آرام و قرار نگیرد و دست از تلاش و کوشش برندارد.

در دنیای ورزش باید اختیاراتی برای یک مربی در نظر گرفته شود. اگر این کار تحقق نیابد چنین فردی را نباید با عنوان مربی مورد خطاب قرار داد.

یکی دیگر از نیروهای چهارگانه مورد اشاره که در وجود هر انسانی به اندازه سرمایه اولی سرشته شده جاه طلبی است. جاه طلبی انسان را برای این که بتواند پا در مسیر صعود قرار بدهد یاری می کند. اگر احساس جاه طلبی در کسی وجود نداشته باشد پیشرفت و گام های رو به جلو برداشتن برایش امکان پذیر نمی شود و به عبارتی دیگر چنین فردی درجا می زند و یا به پستی می گراید.

جاه طلبی با جاه زدگی تفاوت دارد و میان این دو مرزی وجود دارد که حد آن را عقل می تواند معین نماید. زیاده خواهی در زمینه جاه طلبی انسان را به سوی جاه زدگی یا جاه پرستی می برد که بلای دیگری است. آدمی برای این که بتواند این هوس بی مهار خود را سیراب می کند مجبور می شود که به هر دری سر بزند و از هر کوی و برزنی عبور بکند و به هر ناشایستی تن بدهد و اما در دنیای مربیگری برای این که یک مربی بتواند به خوبی پیشرفت بکند و در انجام وظیفه به بهترین وجه عمل نماید، بزرگ ترین و مهم ترین شرط خدمت بایسته است ولی اگر زیاده بر آنچه لیاقتش را دارد طلب بکند. برای رسیدن به آن هیچ راهی جز چنگ زدن به راه ناشایست نمی تواند در پیش بگیرد. مربیان چاپلوس، مربیان دغل باز، مربیان زد و بندچی و مربیانی که حق را ناحق می کنند و بساط کار را مناسب بروز این رذایل می یابند از کسوت مربیگری خارج می شوند و ردای رنگینی می پوشند که ننگین است.

یکی از مهم ترین وظایف و رسالت مربیان پرورش انسان و انسانیت است. حال اگر فردی پیدا شود که ادعای به تن کردن ردای مربیگری را داشته باشد ولی شاگردان خود را به دروغ گفتن و اتهام زدن وادار سازد و به جای این که صفات پسندیده را به آنها تعلیم دهد عملاً آنها را به قدم زدن در بی راهه تشویق و ترغیب بنماید، آیا می توان ادعا کرد که به چنین فردی می توان عنوان بزرگ، قابل احترام و مورد ستایش یعنی مربی را اطلاق کرد؟

اگر کسی به صفت ناپسند و مذموم جاه زدگی مبتلا

شود به هر وسیله ای دست می زند تا بتواند به خواسته های غیر منطقی خود دست پیدا بکند. برای این که بتواند اسم خود را بر سر زبان ها بیندازد زمین و زمان را مورد حمله قرار می دهد، مصاحبه های بی اساس انجام داده و کارهای ناروا و بدون دلیل را به خیلی ها نسبت می دهد. جاه زدگی او را به مسیری سوق می دهد که حاضر می شود شناخته و ناشناخته حرمت ها را زیر پا بگذارد و برای این که بتواند دستمالی برای خودش تهیه بکند، قیصریه ای را به آتش بکشد.

جاه زدگان برای عقب نیفتادن از برنامه ای که برای خود تدارک دیده اند هر روز نقشه ای جدید تدارک دیده و راههای مختلف را مورد آزمایش قرار می دهند. استفاده از موقعیت و جایگاه دیگران مهم ترین و بارز ترین حرفه این قبیل افراد محسوب می شود. آنها هر روز خود را عاشق و کشته صاحبان قدرت و دارندگان موقعیت اجتماعی می کنند تا بلکه بتوانند با استفاده از موقعیت آنها برای خود از آشفته بازار کلاهی به دست آورند.

هیچ شک و تردیدی وجود ندارد که افراد جاه زده می توانند بزرگ ترین ضربه ها را به دنیای با صفا و بدون رقیب مربیگری وارد کنند. آنها با کارهای ناشایست و خارج از چارچوب اصول اخلاقی و رفتاری بیشتر از هر چیزی به آینده جوانان و نوجوانانی که تحت تعلیم آنها قرار گرفته اند ضربه می زنند و به جای پرورش انسان هایی وظیفه شناس، صادق، راستگو، تلاشگر و در خدمت حق و حقیقت آنها را با دنیای مکر و حيله و دروغ پردازی و منفعت طلبی آشنا نموده و آنها را به عنصری بی فایده و مروجین دروغ و کذب تبدیل می نمایند.

پس در بحث نیروی جاه طلبی می توان نتیجه گرفت که "جاه برای آن است که مربی خدمت شایسته انجام دهد و خدمت پسندیده برای آن است که مربی در جاه شایسته قرار گیرد. چون شایستگی و پسندیدگی از میان برداشته شود اگر مربی به قله هرم این حرفه نیز برسد لباس ننگین پوشیده است."

سامانه پیامکی ورزش اردبیل

۱۰۰۰۹۱۴۶۸۲۱۵۳۳

فوتبال اردبیل

مطلب دومی که مورد استناد آقایان قرار گرفته نوشته ای با عنوان "فاصله لیگ فوتبال استان با حداقل استانداردها" می باشد. کجای این نوشته بر خلاف واقعیت است؟ آیا لیگ فوتبال بزرگسالان استان از همه استانداردهای مورد نیاز بهره می برد؟ شمایی که همیشه در مقام منتقد از غیر خودی ها ظاهر می شوید و خود را صاحب نظر می دانید آیا روند برگزاری لیگ را تایید می کنید؟ آیا در فصل جاری رقابت های لیگ در سطوح مختلف از جمله برتر، یک، دو، و سه در استان برگزار شده است؟ آیا می توان به رقابت های برگزار شده عنوان رقابت های باشگاهی لیگ برتر داد؟ کجای نوشته ما می تواند دلیلی بر بلندگو بودن ما به حساب آید؟

همیشه بیان واقعیت ها و حقایق امکان دارد به ضرر عده ای ختم بشود. این کار نباید مانعی برای گفتن حقایق باشد. کسانی که بخواهند با وارونه جلوه دادن واقعیت ها و اتهام زدن به برخی ها سرپوشی بر روی آنها بکشند، کاری از پیش نمی توانند ببرند. هر گونه اظهار نظر و حمایت از افراد و مجموعه ها باید بر مبنای عملکردها باشد. به زور نمی توان هیاتی را کارآمد تلقی کرد.

مگر می توان کسی را در این استان پیدا کرد که ادعا بکند تعریف و تمجید از هیات شمشیربازی استان با آن همه افتخار و مقام های کسب شده نشانی از بلندگویی اداره کل ورزش و جوانان دارد. اگر دفاع از موفقیت ها و انعکاس فعالیت های شبانه روزی زحمتکشان ورزش و رشته های مختلف ورزشی در نظر برخی افراد مغرض و مقام پرست به بلندگو بودن تعبیر می شود ما نسبت به این عنوان افتخار می کنیم. یا حق

گفتن از توجه به های بی شاهکار رین زمان بایت های فهوم بلند ما غیر از نه شما با سات خود

لاک قرار به مجمع راستای می نگارد. ده سایت د اشاره را ن نسبت بوده اند؟ "فوتبال می باشد. بال کلمه ت فوتبال لا موضوع استان در و دست طاب آن سطور و محترم و هم کانال ب مطلب وده پر ما

ان را می ان کنند. به هیات های تیم است. ما رده ایم و به نشریه

تشریح الکترونیکی ورزش اردبیل
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
نادر پرستار

زیر نظر شورای نویسندگان
تلفن تماس: ۰۹۱۴۱۵۲۱۵۳۳
آدرس: شهرک سیلان فاز یک - هشتم جنوبی -
پلاک ۲۰۸



ورزش اردبیل

پایه اول - دوم - سوم - چهارم - پنجم - ششم - هفتم - هشتم - نهم - دهم - یازدهم - دوازدهم

سال سوم شماره ۳۱۵

شماره ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۹۵

۲۳ آبان ماه ۱۳۹۵ - ۲۱ آذر ماه ۱۳۹۵

قیمت

NOL3-NO29-11Feb-2017

راهپیمایی با شکوه جامعه ورزشی استان در ۲۲ بهمن ماه به روایت تصویر

